



خوانشی از مقدمه کتاب «اعجاز اسلام مارشال هاجسن»

بشری شریف‌عسکری

چکیده

مارشال هاجسن مستشرق آمریکایی بیش‌تر در حوزه مطالعات تاریخ جهان و اسلام پژوهش‌های زیادی نموده است. مارشال هاجسن یکی از مستشرقین است که دیدگاه‌های وی سال‌ها در دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌شود و در مورد تاریخ و فرهنگ اسلام مطالعات و تحقیقات طولانی انجام داده است. کتاب «اعجاز اسلام، تاریخ و بررسی دقیق در تمدن جهان» از جمله کتاب‌هایی است که با دیدگاه خاصی نوشته شده است. دیدگاه تاریخی مارشال نسبت به نویسندگان و مستشرقان تاریخی متمایز بود. او در کتاب‌هایش علاوه بر تبیین ساده وقایع تاریخی نگاه و دیدگاه جامعه‌شناختی خود را به همراه نقد و بررسی بیان نموده است. وی در کتابش چارچوب جدیدی برای مطالعات تاریخ جهان به وجود آورد و بررسی و نقد هدفمند را به آن‌ها اضافه کرد. کتاب «اعجاز اسلام» سه جلدی بوده و جلد اول آن حاوی مقدمه‌ای بر مطالعات در تمدن اسلامی، پیش‌درآمدی از بینش اسلامی در مذهب و تمدن و کتاب اول آن در مورد دوران باستانی اسلام است. او در مقدمه کتابش، مسیر و راه صحیح مطالعات تاریخی را برای پژوهش‌گران مطرح نموده است. هاجسن بعد از نشان دادن مسیر مطالعاتی، تمدن و فرهنگ را از منظر خود توضیح داده است. **واژگان کلیدی:** مستشرقان، اعجاز اسلام، تمدن، فرهنگ.

مقدمه

مارشال هاجسن گودین سیمز متولد ۱۱ آوریل سال ۱۹۲۲ میلادی و متوفی ۱۰ ژوئن ۱۹۶۸. محقق و پژوهش‌گر تمدن اسلامی و پروفیسور تاریخ و عقاید در دانشگاه شیکاگو بود. او قبل از فارغ‌التحصیلی و در زمان دانشجویی مقاله‌های گوناگونی در تاریخ جهان نوشته بود. مارشال هاجسن از مستشرقانی بود که صرفاً به انگیزه استعماری و یا تضعیف اسلام برای نشر دین مسیحیت، در تاریخ اسلام تحقیق و پژوهش نکرده است.^۱ بلکه مطالعات تاریخی خود را بر اساس علمی و مستند انجام داده و او هنگام مطالعه و بررسی وقایع تاریخی اسلام، سعی و کوشش نموده که نظرات و انتقادهای خود را بدون تعصبات دینی مطرح نماید. مستشرقان و خاورشناسان در زمینه تاریخ و مخصوصاً تاریخ اسلام کتاب‌های زیادی نگاشتند. موضوع بیش‌تر کتاب‌های آن‌ها یا صرفاً تاریخی بوده و در آن حوادث و رویدادهای دوره‌ای از تاریخ را بیان می‌کنند یا این‌که فقط در مورد حوزه‌های جامعه‌شناسی و تمدنی توضیح داده‌اند. اما تمایز کتاب «اعجاز اسلام» مارشال نسبت به بقیه این است که تاریخ را با جامعه‌شناسی ادغام نموده و نظریه‌های جامعه‌شناسی خود را با همگام با رویدادهای



۱. حبیب‌الله بابایی، پیوستگی در تمدن اسلامی، فصلنامه نقد و نظر، سال ۱۹، ش ۲،

تاریخی نگاشته است. کتاب سه جلدی «اعجاز اسلام، تاریخ و بررسی دقیق در تمدن جهان» انگلیسی نوشته شده و هنوز به زبان فارسی یا عربی ترجمه نشده، اما مقاله‌هایی به زبان عربی و فارسی حول موضوع کتاب نگاشته شده است. بعضی از نویسندگان نام این کتاب را «اعجاز اسلام»^۱ و برخی اسم آن را «کارستان اسلام»^۲ و بعضی دیگر «مخاطره یا ماجراجویی اسلام» و در مقاله‌ای عربی به عنوان «مغامره الاسلام»^۳ نامیده‌اند. «اعجاز اسلام» در زمان خودش کتابی بی‌نظیر در مورد تاریخ اسلام بوده است و تا قبل از او تاریخ تمدن ویل دورانت و محدود کتبی تاریخ را این‌گونه بررسی نموده بودند. اما نگاه مارشال به تاریخ اسلام و تحلیل‌های وی در کتابش در زمینه و حوزه تمدنی بود. کتاب وی مجموعه‌ای از درس‌ها و سخنرانی‌هایش برای تدریس تمدن‌های جهان در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه شیکاگو بود. چارت دانشگاهی وی در مورد تمدن‌های غربی بوده ولی او تمدن‌های هند و چین و اسلام را به برنامه



۱) HODGSON, MARSHAL G. S. THE Venture of Islam, CONSCIENCE AND History in a World Civilization, The Classical Age of Islam, Chicago and London: The University of Chicago Press 1974.

۲. عبدالله همتی‌گلیان، بررسی دیدگاه‌های عمده مارشال هاجسن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی، معرفت، سال ۲۳، ش ۹۹-۸۳، ۱۳۹۳.

۳. شارل عیسای، اروپا و المشرق و تحولات القوه، الاجتهاد ۱۴۱۵، ش ۲۷-۲۶ و ادموند بورک، تاریخ الاسلام فی تاریخ العالم، الاجتهاد ۱۴۱۵، ش ۲۶ و ۲۷.

درسی دانشجویان خود اضافه نمود.^۱ نگاه هاجسن به اسلام نگاهی بود که تا آن زمان کم‌تر نویسنده و محقق تاریخی چنین نگاهی به جامعه اسلامی داشتند و بعد از وی نگاه‌ها و دیدگاه‌های تمدنی نویسندگان غربی به اسلام بیش‌تر شد.

مقدمه کتاب شامل پیشنهادها و توصیه‌های استادی دلسوز برای دانشجویان و محققان تاریخ است. هاجسن معلمی است که می‌خواهد راه و مسیر سختی که او در پژوهش تاریخ طی نموده را به روش و بیانی ساده توضیح دهد تا دانشجویان از آن روش‌ها استفاده کنند. سپس وی تمدن و فرهنگ را تعریف نموده و دیدگاه و نظریه‌های خود را بیان نموده است.

پیشنهادهای هاجسن برای پژوهش در تاریخ

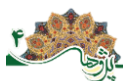
«هاجسن در آغاز کتاب «اعجاز اسلام»، پیش از پرداختن به موضوع اصلی، ابتدا به بررسی مطالعات تاریخی و انواع آن می‌پردازد. وی در مقدمه کتاب به طور کامل و دقیق مسیر رسیدن به نتایج مثبت که وی از مطالعات تاریخ اسلام دریافت نموده را بیان نموده و همه موانع و بن‌بست‌های موجود در مسیر تحقیقات را نیز توضیح می‌دهد. هر پژوهش‌گر با خواندن مقدمه کتاب می‌تواند مسیر پژوهش و هدف اصلی از تحقیق مورد نظر خود را با استفاده از توصیه‌های هاجسن،



۱. ادموند بورک، تاریخ الاسلام فی تاریخ العالم، الاجتهاد ۱۴۱۵، ش ۲۶ و ۲۷.

هموار کند و سریع‌تر به هدف نهایی خود برسد؛ زیرا که او در مقدمه کتاب مشکلات مطالعات تاریخی را بیان می‌کند و سپس راه حل آن‌ها را نیز با زبانی ساده و شیوا مطرح می‌کند. شناخت تمدن‌های مختلف از توصیه‌های هاجسن به محققان و پژوهش‌گران تاریخی است. نظر وی این است که پژوهش‌گر برای تحقیق در زمینه تمدن و فرهنگ‌های مختلف صرفاً نباید به متون ترجمه‌شده اکتفا نماید، زیرا ممکن است در زبان بیگانه بعضی از کلمات معادلی در زبان اصلی نداشته و یا این‌که مترجم به علت عدم آگاهی از الفاظ و معانی حقیقی کلمات زبان اصلی نتواند به صورت صحیح ترجمه کند و حق مطلب را ادا نماید. بنابراین ترجمه‌های متون نمی‌تواند همه اندیشه‌ها و ایده‌های متن اصلی را به محقق برساند؛ لذا برای تحقیق و پژوهش احتیاج به دانستن زبان اصلی لازم است. چون همیشه نمی‌توان معادل همه کلمه‌های زبان اصلی را در زبان خود یافت او «نویسه‌گردانی»^۱ را برای مترجم پیشنهاد می‌دهد تا بتوان مفاهیم زبان اصلی را به ذهن خواننده القا نماید؛ برای مثال می‌توان کلمه شریعت را ذکر نمود؛ مترجمان کلمه «شریعت» در اسلام را به واژه انگلیسی «قانون» ترجمه کرده‌اند. هرچند قانون ترجمه‌ای ناقص برای واژه بوده و در ذهن خواننده انگلیسی فقط قانون و

۱. حرف به حرف نویسی.



دستورات قضایی را تداعی می‌کند در حالی که شریعت در زبان عربی شامل تعالیم و دستورات دینی نیز بوده است و بهتر است که از خود واژه استفاده می‌شد.^۱

«سخنان نویسنده در مورد زبان و ترجمه متون می‌تواند راه حلی مناسب برای مترجمان زبان باشد. به نظر وی مترجمان همیشه نباید به دنبال یافتن معادل همه واژه‌ها در زبان اصلی باشند؛ زیرا بعضی واژه‌ها را نمی‌توان ترجمه کرد و اگر همان کلمه را حرف به حرف نوشته و توضیح کامل دهند برای خواننده بهتر خواهد بود. هاجسن خودش برای تحقیق در متون اسلامی به زبان عربی و رسم الخط آن مسلط بود و حتی در مقدمه کتاب، راهنمایی‌هایی درباره چگونگی مطالعه رسم الخط فارسی، ترکی و هندی ارائه داده که نشان می‌دهد که وی به غیر از تسلط بر زبان عربی به زبان‌های فارسی، ترکی و هندی نیز آشنایی داشته است.^۲

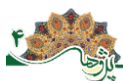
«توصیه دوم او به پژوهش‌گران و محققان در رشته تاریخ، مطالعه تاریخ اقوام و تمدن‌ها است. دانستن زبان یک ملت برای تحقیقات درباره آن‌ها کافی نیست. پژوهش‌گران قبل از دانستن زبان باید از تاریخ و تقویم و رخدادهای مهم آن ملت نیز آگاهی داشته باشند که بتوانند



^۱ Venture of Islam, p.4.

^۲ Venture of Islam, p 1-20.

مانند آن‌ها فکر کنند و دقیق‌تر در مورد آن‌ها بنویسند و قضاوت کنند. محقق توانا کسی است که به متون ترجمه‌شده اکتفا نکند تا بتواند به عمق مطالب زبان اصلی دسترسی پیدا کند؛ مخصوصاً محققان و پژوهش‌گرانی که دربارهٔ اسلام و تاریخ آن تحقیق می‌کنند، حداقل بایستی به زبان و رسم‌الخط عربی آشنایی کامل داشته باشند. محقق توانا کسی است که مطالب مورد نیاز خود را از منبع اصلی تهیه کند و به متون و منابع ترجمه‌شده اعتماد نمی‌کند؛ چون شاید مترجم بعضی قسمت‌های منبع اصلی را نفهمیده یا این‌که تلفظ کلمه و اسمی را صحیح نتوانسته بخواند. با شناخت حروف و آواهای زبان اصلی می‌توان آن زبان را بهتر قرائت نمود و از اشتباهات رایج دور ماند. با آگاهی و قرائت صحیح آواها می‌توان تشخیص داد که «امیر» و «عمیر» دو اسم مختلف هستند^۱ هرچند در رسم‌الخط انگلیسی حرف «ع» ندارد و انگلیس‌زبانان هنگام خواندن دو اسم «امیر و عمیر» دچار اشتباه خواهند شد، و برای اجتناب از چنین اشتباهی مارشال پیشنهاد قرار دادن^۲ روی حرف الف انگلیسی داده که نشان‌گر حرف «عین» باشد و با الف معمولی فرق کند تا خواننده در خواندن و تشخیص اسامی زبان اصلی دچار اشتباه نشوند.^۳



^۱ Amir and 'Amir

^۲ Venture of Islam, p 1-22.

در بعضی اوقات هنگام مراجعه به چند ترجمه از یک منبع، اختلافات بسیاری چه در تلفظ کلمات منبع اصلی و چه در سیاق و استایل مترجم دیده می‌شود و اگر محقق نتواند بین ترجمه‌ها ترجمه صحیح را تشخیص بدهد در تحقیق خود دچار اشتباه خواهد شد. اگر محقق قبل از این که بخواهد درباره ملت یا سرزمینی تحقیق کند، بهتر است که هم زبان آن‌ها و هم رسم الخط آن‌ها را یاد بگیرید تا بتواند درباره آن‌ها بنویسد و چه بهتر است که در میان آن‌ها سفر کند زیرا در بعضی اوقات تا در محیط و شرایط آن منطقه حضور نداشته باشید نمی‌توانید درباره آن‌ها بنویسید. مثلاً هر ملتی برای خود اصطلاحات ویژه‌ای که با فرهنگ آن‌ها عجین شده وجود دارد که نمی‌توان آن را در کتابی یافت ولی مردم از آن استفاده می‌کنند و منظور همدیگر را می‌فهمند. مثلاً در زبان فارسی می‌گویند «دل شیر داری» یعنی شجاعتی یا «سر تو کلاه گذاشتن» یعنی شما را فریب دادند و این‌گونه مطالب که در هر زبانی فراوان است.

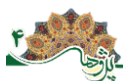
«توصیه بعدی هاجسن به محققان مطالعات تاریخی این است که در تحقیقات مخصوصاً از نوع اسلامی دقت بیش‌تری داشته باشند؛ چون معمولاً محققان اسلامی به زبان مسلمانان مسلط نبوده و تحقیقات آن‌ها بر اساس ترجمه متون و منابع دست دوم است. پیشنهاد بعدی هاجسن این است که هر محقق باید با آگاهی و بینش کامل، به دور از پیش‌فرض‌ها و تعصبات مذهبی، فرهنگی و ملیتی خویش تحقیقات و



مطالعات خود را انجام دهد تا در مسیر تحقیق به بیراهه و خطا کشیده نشود. از آنجایی که مقایسه میان ادیان بسیار مشکل است، محقق توانا باید بدون هیچ نیت و هدف مغرضانه‌ای به دنبال به دست آوردن نتایج علمی تحقیق و کاوش خود باشد. پژوهش‌گر برای مقایسهٔ ادیان ابتدا باید فریم و چارچوب هر دینی را با روش‌های اصولی بررسی نماید تا بتواند در نهایت به نتیجه‌ای مثبت در مقایسه برسد.^۱

هاجسن به عدم دخالت پیش‌فرض‌ها در تحقیقات خود بسیار تأکید می‌کند اما در قسمت‌هایی از کتاب، پیش‌فرض‌های وی در نتیجه‌گیری مطالب کتاب اعجاز اسلام دخیل بوده است؛ او جملهٔ مورد نظر را با شاید می‌آورد و می‌گوید: «تمدن اسلامی شاید آخرین وجه تمدن سومری ایرانی است که از لحاظ منطقه‌ای به سرزمین‌های نیل تا جیحون در زمان سومریان برمی‌گردد».^۲ در حالی که تمدن اسلامی بر پایهٔ دستورات و حیانی قرآن و پیامبر اکرم (ص) بنیان‌گذاری شده است.

با این حال اگر محقق و پژوهش‌گری در زمینهٔ مطالعات تاریخی نکته‌ها و پیشنهادات هاجسن را مد نظر قرار دهد، مطالعاتش به نتیجهٔ خوبی خواهد رسید. مارشال معلمی دلسوز بوده که روش خود را برای



^۱ Venture of Islam, 23-30.

^۲ The Islamic civilization may be seen as the latest phase of the Irano-Semitic culture which goes back in the lands from Nile to Oxus to Sumerian times. p 43.

شاگردان و محققان تاریخی بعد از خود نوشته تا آن‌ها نیز بتوانند در تحقیقات و پژوهش‌های‌شان به نتیجه مطلوب برسند.

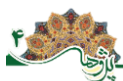
«هاجسن تاریخ‌نویس متعهد را شخصی می‌داند که جریانات تاریخی را بدون دخالت پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها گزارش کند؛ چون پیش‌داوری‌ها در چنین نوشته‌هایی منجر به تعصب و جانبداری در قضاوت خواهد گشت، مخصوصاً در زمینه پژوهش‌های اسلامی که می‌تواند نتایج تحقیق و بررسی را به خطا بکشاند. از نظر او، راه صحیح این است که بتوان مطالعات دینی را به عنوان پیش‌فرض دین دیگری انجام داد. شاید به نظر مشکل باشد اما با درک هوشیارانه و سنجیده و رعایت حقوق اشخاص می‌توان پیش‌فرض‌های قبلی ذهن را محدود کرد تا بتوان به عمق و کنه مطالب رسید.»

«نسبت به تاریخ و رخدادهای تاریخی دو نگرش وجود دارد: نگرش معمولی و نگرش استثنایی. هر دو نگرش برای پژوهش‌گران مطالعات تاریخی مهم هستند. در نگرش معمولی، مورخ کل وقایع و حوادث تاریخ را ثبت می‌کند و همه مطالب تاریخی برایش مهم است. اما در نگرش استثنایی، فقط حوادث و جریانات استثنایی برای مورخ مهم بوده و حوادث معمولی برایش مهم نیستند. در مطالعات تاریخی، هر دو نگرش مکمل هم هستند. چون حوادث استثنایی در درون



حوادث و جریانات معمولی رخ می‌دهند و در نگرش دوم شخص باید حوادث معمولی را بشناسد تا بتواند جریانات استثنایی را تشخیص دهد. بعضی از مورخان فقط در مورد وقایعی تحقیق می‌کنند که وابسته به زمان و مکان نبوده و امیدوارند که بتوانند چنین تغییرات فرهنگی ثبت‌شده را در هر مکان و زمان با ایجاد عوامل متشابه، دوباره ایجاد کرد. محققان تاریخ باید از هر دو نگرش تاریخی استفاده کنند؛ چون هنگام مطالعه در مورد جریان‌های خاص و ویژه باید از جریان‌های معمولی مربوط به همان جریان اطلاع داشت و بتوان وجه تمایز آن را با بقیه جریان‌ها و حوادث پیرامون مشخص نمود تا بتوان آن را جریان‌های خاص نمایش داد. اهمیت نگرش معمولی این است که بتوان توسط آن شناخت ارزش و اعتبار جریان خاص را بهتر دانست؛ مثلاً برای تشخیص ارزش کار نقاش ویژه باید کارهای آن دوره زمانی نقاشان را دیده و سنجیده تا بعداً بتوان اختلاف آن را با بقیه کارها مشخص نمود.»

«مردم تاریخ را می‌خوانند تا برای دیگران روایت کنند و درس عبرت شود، ولی نگرش هاجسن به تاریخ و حوادث آن، با دیگران فرق می‌کند و نگاه او همراه با سؤال‌هایی است که در آن جست‌وجوی حقیقت مطرح است. در نگاه هاجسن همه وقایع و رخداد‌های تاریخی



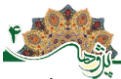
مهم هستند و از حوادث ساده تاریخی، بدون توجه نمی‌توان گذشت. به نظر مارشال تا حوادث ساده تاریخ دیده نشوند، نمی‌توان رخدادها و حوادث استثنایی را از میان آن‌ها تشخیص داد. دیدگاه‌ها و نظریه‌های هر دو تاریخ‌نگار (معمولی و استثنایی) مهم هستند. زیرا هر دو برای پژوهش و تحقیق در تاریخ باید بتوانند از هر دو نگرش، اطلاعات و نکته‌های مهم و مفیدی برای جامعه به دست آورند. حوادث و رخدادهای تاریخی به تنهایی نمی‌توانند فرهنگ‌ساز و تاریخ‌ساز باشند، مگر این‌که آن‌ها با عموم و فعالیت‌های مردم آن جامعه وابسته باشد. در طول زمان ارزش‌های مادی و معنوی انسان‌ها بر اثر تعامل افراد متغیر است. شاید سرنوشت هر فرد معمولی، در زندگی خود مهم و حادثه‌ساز نبوده ولی به همه مردم جهان ارتباط دارد. متون و قوانین اخلاقی جامعه، زندگی انسان‌ها را تغییر می‌دهد و آن‌ها را در جهان مشهور می‌کند. پدر تاریخ، هردوت می‌گوید: تاریخ خود را به خاطر قدردانی از قهرمانان یونانی و فارسی نوشته است. چون آن‌ها قهرمانان بسیار بزرگی بودند؛ که دوباره مثل آن‌ها را نخواهیم دید و فقط می‌توانیم از آن‌ها تقلید کنیم؛ وقتی آن‌ها را بشناسیم دیگر دنیا همان دنیای قبلی نخواهد بود. قهرمانان به ما نگفتند: «که ما چه کسانی هستیم؟ و پتانسیل انسان‌ها تا چه اندازه‌ای ظرفیت دارد؟ آن‌ها معلومات و دانش ما را افزایش دادند و به ما گفتند که ما چه کسانی هستیم؟ و چه کارهایی را انسان‌ها می‌توانند انجام دهند و چه چیزی ارزش



اشک‌ها و غم‌های ما دارد.»

هاجسن در کتاب «اعجاز اسلام» چارچوب مشخصی را برای محققان تاریخ نشان می‌دهد و هدف از مطالعات تاریخی را این‌گونه بیان می‌کند: «مطالعات تاریخی، مجموعه‌ای از واحدهای درسی نیست؛ بلکه سؤالاتی حول پیشرفت فرهنگی انسان‌ها و پیوستگی آن، در طول زمان است. هنگامی که تمرکز و توجه تاریخ به سمت زمان و مکان نباشد، پژوهش‌گر نیز می‌تواند سؤال‌هایی که احتیاجی به تاریخ و مکان نداشته را مطرح نموده زیرا پاسخ به این‌گونه سؤال‌ها او را سریع‌تر به هدف نهایی می‌رساند. محقق توانا در مرحله ابتدایی تحقیق باید موضوع و سؤال اصلی تحقیق خود را معین کند، تا بتواند در مرحله بعدی پرسش‌های فرعی را از اصلی جدا کند. چون مورخ تا سؤال اصلی و فرعی خود را مشخص نکند، نمی‌تواند به هدف نهایی برسد. پاسخ‌گویی به سؤال‌های هدفمند، مورخ را زودتر به هدف و نتیجه نهایی می‌رساند؛ چه بسا سؤال‌های اضافی او را از تحقیق و هدف نهایی دور می‌کند.»^۱

«مارشال هاجسن به محققان و پژوهش‌گران ادیان و مذاهب نیز چند هشدار می‌دهد. به نظر وی وفاداری و تعهد نسبت به دین در هر فردی



^۱ Venture of Islam, p 23.

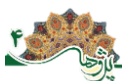
^۲ Venture of Islam, p 26.

وجود دارد. محقق تاریخی هنگام بررسی و مقایسهٔ ادیان مخصوصاً دو دین اسلام و مسیحیت نباید به پیش‌انگاره‌ها و تعهدات مذهبی خود توجه کند زیرا توجه و اهمیت به آن‌ها می‌تواند او را از مسیر صحیح و قضاوت منحرف کند. اسلام از نظر مسیحیان، واگذاری ارزش‌های معنوی حقیقت مسیح است و هر حقیقتی که در مسیحیت وجود داشته، در اسلام نیز وجود دارد؛ اما حقیقت در دین مسیحیت فراتر و اصلی‌تر است و برای مسلمان‌ها در طول زمان هرگز قابل درک نمی‌باشد. از طرف دیگر مسلمانان مسیحیت را نسخه‌ای ناقص و منحرف از دین اسلام می‌بینند. چنین مقایسه‌ای بین اسلام و مسیحیت اشتباه، غیرعلمی، منطبق بر واقعیت‌ها و دقیق نیست. محققان تاریخ هنگام سنجش ادیان نباید دینی را بر دین دیگری ترجیح داده و برای مقایسه میان ادیان مختلف نباید از اعتبار و ارزش سنت‌های هر کدام کاهش داده و یا این‌که سنتی را از دینی حذف نمود. آن‌ها در مقایسهٔ ادیان باید به خواستهٔ اصلی و هدف نهایی آن دین توجه کرده زیرا خواسته‌ها و اهداف هر دینی منحصر به خود آن بوده و باید قدرت تشخیص میان خواسته‌های هر دینی را داشته باشند. به نظر هاجسن خواستهٔ دین اسلام و وفاداری و تعهد شخص مسلمان در طول زندگی این است که او همواره بتواند در چالش‌ها و کشمکش‌های معنوی و درونی زندگی خود پیروز و موفق گردد چون آن‌ها پیام‌های الهی در جامعه هستند. به نظر وی خواستهٔ دین مسیحیت از مسیحیان پاسخ‌گویی مداوم به عشق



جاودانه‌ای است که در زندگی انسانی-الهی آن‌ها و شخص قربانی‌شده، نشأت می‌گیرد. مارشال برای مقایسه میان ادیان پیشنهاد می‌دهد که هرگز نباید آیین و یا سستی از آن دین را با استانداردهای آیین و سنت دین دیگری توضیح داد و در مرحله بعدی باید اصول هر دین و فروع آن را به خوبی شناخت و چارچوب اصلی هر دین را دقیق بررسی کرد و در مرحله آخر شاید بتوان مقایسه‌ای میان آن‌ها انجام داد و گرنه مقایسه بدون آن مراحل نسبی و تقریبی خواهد بود.»

نویسنده اسلام را با پیش‌انگاره و دیدگاه مسیحی خود می‌سنجد و به نظرش مسأله اصلی اسلام پاسخ‌گویی به چالش‌ها و کشمکش‌های معنوی انسان در طول زندگی است و نمی‌داند که خواسته اسلام ابتدا تسلیم در برابر دستورات الهی و عمل به دستورات و حیانی قرآن است که از زبان مبارک پیامبر اکرم ﷺ جاری می‌گردد. فرد مسلمان با عمل به دستورات الهی قرآن و راهنمایی‌های پیامبر اکرم (ص) می‌تواند در چالش‌های معنوی روزمره پیروز میدان گردد. البته او در ضمن انجام دستورات دینی باید به فکر اطرافیان و اصلاح جامعه خود باشد تا جامعه به سمت مدینه فاضله پیش برود. بهترین نمونه حکومت اسلامی پیامبر (ص) بود که ابتدا از شهر مدینه آغاز شد ولی بعدها به تمدنی بزرگ و شگفتی‌ساز تبدیل گشت. دستاوردها و عملکرد تمدن اسلامی



هنوز در دنیای مدرنیته قابل مشاهده است.

هرچند هاجسن در مورد اسلام دیدگاه‌های مثبتی دارد و صفات مثبت آن را توصیف می‌کند و برتری دین اسلام را پتانسیل معنوی مثبت می‌داند. اما به نظرش تاریخ جهان صرفاً ساخته و پرداخته اتفاقات و حوادث نبوده بلکه قوانین اخلاقی نیز عامل مهم و سرنوشت‌ساز برای انسان‌ها است. او قهرمانان و حوادث تاریخی اسلام را معرفی کرده و اعتراف می‌کند که مورد تحسین همگان و جهان هستند. در این چند خط می‌بینیم او از یک طرف می‌گوید که «در طول زمان ارزش‌های مادی و معنوی انسان‌ها بر اثر تعامل افراد تغییر می‌کند» و از طرف دیگر بیان می‌کند که «آن‌ها قوانین و استانداردهای غیرقابل تغییر وضع می‌کنند و رقابت‌ها و کشمکش‌های متمایزی مطرح می‌کنند و اعلامیه‌های اخلاقی مهمی برای انسان‌ها وضع می‌کنند.» آیا تعامل افراد می‌تواند تغییری در ارزش‌ها ایجاد کند؟ آیا تغییر ارزش‌ها باعث تغییر قانون نیز خواهد شد؟ در حالی که خودش می‌گوید: «قانون ثابت است، اما ارزش‌ها بر اثر تعامل افراد تغییر می‌کند» قانون و ارزش‌های اصلی اسلام بر اثر تعامل افراد با یکدیگر تغییر نکرده و نخواهد کرد و این‌جا ما شاهد تناقضی هستیم که منجر به برداشت اشتباهی از ارزش‌های اسلام توسط وی شده است. با این حال افراد عادی با پابندی به

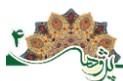


ارزش‌های اسلامی تبدیل به افراد برجسته و قهرمان می‌شوند که در ظاهر افراد معمولی به نظر می‌رسیدند و شاید کار خارق‌العاده‌ای انجام نداده باشند ولی باعث تحیر و شگفتی جهان شده‌اند. قوانین اسلام و قرآن انسان‌ها را به تکامل و تعالی می‌رسانند به طوری که بتوانند مرزها را بشکافند و خود را به اسطوره‌های جهانی تبدیل کنند. روح ایشار و خودگذشتگی در اسلام انسان‌ها را با نگرش و دیدی متفاوت از دیگران متمایز و تربیت می‌کند. مسلمانان با چنین بینش و نگرشی به خود ترس راه نداده و با شجاعت و شهامت برای رسیدن به اهداف اسلامی کوشش و تلاش می‌کنند و به اهداف خود که همان زندگی در سایه قرآن و اسلام خواهند رسید. به طور نمونه می‌توان انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس را ذکر نمود.

برای این‌که بدانیم پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم چه نقشی در تشکیل و ایجاد تمدن اسلامی داشتند باید به زمان قبل از اسلام برگردیم و وضعیت منطقه و افراد در زمان قبل از اسلام را بررسی کنیم تا بتوانیم نقش‌آفرینی دین اسلام و تغییرات ایجادشده را بهتر حس کنیم. برای شناخت بهتر تمدن اسلامی و چیرستی آن باید ابتدا فرهنگ و تمدن را شکافته و سپس تمدن اسلامی و چیرستی و عوامل مؤثر در تشکیل و شکوفایی آن از منظر هاجسن را بررسی کنیم.

تعریف تمدن

«به نظر هاجسن تحقیقات تاریخی اهالی مشرق‌زمین جزو یکی از



رشته‌های مطالعات تمدنی است. در این رشته محققان به بررسی میراث‌های فرهنگی عظیم ملل می‌پردازند. از آنجایی که اساساً ایده‌های مطرح‌شده در مشکلات و چالش‌های تاریخی مشرق‌زمین با اروپاییان مشابه است، لذا میراث فرهنگی اروپاییان با میراث‌های جوامع شرقی دیگر یکسان است. او میراث فرهنگی مشرق و غرب را به دلیل داشتن ریشه دینی - الهی، یکسان می‌داند.»

از منظر مسلمانان شاید اگر دین مسیح تحریف نمی‌شد، چنین فرضیه‌ای صحیح به نظر می‌رسید؛ اما به خاطر تحریف در کتاب‌های مقدس، منشأ کتاب‌های دینی غرب الهی نیست و بر حسب موقعیت و شرایط کلیسا مطالب و موضوعاتی که به خدا و پیامبر(ص) مربوط نبوده اضافه شده است مانند دعوای پیامبر(ص) با خدا و غلبه پیامبر(ص) بر خدا یا همین ادعای آن‌ها که حضرت مسیح پسر خدا و عقیده تثلیث و مطالب دیگر... .

«برای تعریف تمدن باید نگاهی به گذشته داشته باشیم، زمانی که جامعه ابتدایی واقعاً پیچیده بود. در آن زمان افراد از فرهنگ نسبی برخوردار بودند؛ اما هنوز به درجه‌عالی از لحاظ فرهنگی نرسیده بودند. الگوهای فرهنگی گروه‌های مختلف مردم با وجود اختلاف‌های بسیار، در حال تعامل بودند.

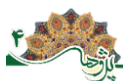


فرهنگ و سنت‌های مناطق نیم‌کره شرقی در سال‌های پیش از ظهور اسلام دارای فرهنگی مشابه بوده و نمی‌توان آن‌ها را به راحتی از هم تفکیک و متمایز نمود. در سرزمین‌های غربی هنگامی که جامعه‌های پیشین را بر حسب اندیشه‌های فرهنگی، نهادها و تکنیک‌ها متمایز نموده، می‌توان مرزهایی فرض کرد. اما در سرزمین‌های شرقی هیچ مرز جداکننده‌ای نمی‌توان یافت. از زمان‌های قدیمی همه سرزمین‌ها از فرانسه تا ایران، جهان فرهنگی واحدی را تشکیل می‌داد، این گفته ما را به تقسیمات (جامعه‌های هندو-مديترانه‌ای) و یا (جامعه هندی-آسیایی-اروپایی) هدایت می‌کند. ماکس وبر^۱ در مورد دوره‌های تمدنی از سومر تا فرانسه تقسیم‌بندی اصولی انجام داده است، که به نظر می‌رسد از بقیه محققان تاریخی کامل‌تر و دارای چارچوب بهتری است که می‌توان به آن مراجعه نمود.^۲

وبر نقش اسلام و جامعه اسلامی را در دوره پیش‌مدرنیته خیلی کم‌رنگ نشان داده است و انگیزه هاجسن را برای نگاشتن و اهمیت دادن به تمدن اسلامی افزایش داده و سبب نگاشتن کتاب «اعجاز اسلام» شده است. مارشال از تقسیمات مورخان قبلی ایراد می‌گیرد و فقط تقسیم‌بندی ماکس وبر را طبق اصول و مبنای علمی معرفی می‌کند.

^۱ Max Weber

^۲ Venture of Islam, p 31.





نادیده گرفتن تمدن اسلامی در آن برهه زمانی تنها ایرادی که مارشال از وبر می‌گیرد. هرچند مورخانی مانند وبر تقسیماتی در تاریخ انجام دادند، اما در تقسیم‌بندی خود از تمدن‌های قدیمی مانند تمدن‌های بابل و آشوری که از شهرهای مهم آن‌ها می‌توان مأرب، صنعاء و سبأ را نام برد هیچ سخنی نگفته‌اند. برخی از آثار باقیمانده آن تمدن‌ها هنوز وجود دارد و باستان‌شناسان در حال جست‌وجوی بیش‌تری برای یافتن اطلاعات در مورد آن‌ها هستند. مورخان مدعی هستند که مردم از لحاظ فرهنگی شبیه هستند. به نظر می‌رسد که آن‌ها یا در مورد آن دوره تحقیقاتی انجام نداده و شاید نمی‌دانند که قبل از اسلام تمدن بیزانس شرقی و ایران وجود داشته و همیشه در حال رقابت و جنگ بودند. در قرآن آیه «غُلِبَتِ الرُّومُ»^۱ پیش‌گویی جنگ رومیان را مطرح می‌کند که برای مردم، اخبار جنگ میان دو قدرت بزرگ آن زمان جالب بوده و آینده آن جنگ‌ها هم برای‌شان اهمیت داشته تا بتوانند با پیروز میدان رابطه بیش‌تری داشته باشند.

نگاه تون‌بی^۲ به تمدن نگاه منطقه‌ای است و به نظر وی تمدن پیشرفت‌های فرهنگ داخلی منطقه است. در نگاه تون‌بی، تمدن اسلامی

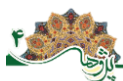
۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، جواهر کلام، علی امیرکبیر، ۱۳۱۳، صص ۸ و

۹.

۲. روم: ۲؛ "رومیان مغلوب شدند".

تمدن مجزا نبوده و به سه تمدن مختلف تقسیم شده است. اما نظر هاجسن این است که نمی‌توان برای تمدن شاخص کلی تعریف نمود، زیرا هر تمدن، مشخصات متمایزی دارد و یک تمدن را نمی‌توان فقط به یک زبان و یا یک منطقه محلی محدود کرد.^۱

تمدن، محدوده جغرافی و مرزی ندارد. وقتی فرهنگ یک تمدن در دل و جان مردم نفوذ کند می‌تواند مردم با ملیت‌ها و زبان‌های مختلف را با هم متحد نماید. روحیه ایثار و از خود گذشتگی و علم‌آموزی که در تمدن اسلامی در نهاد مسلمین کاشته شد، توانست قابلیت‌ها و استعداد‌های نهفته آن‌ها را بارور کند و ملت اسلامی را تبدیل به ملت عظیمی کند. تعالیم اسلامی مانند اصل مساوات و برابری انسان‌ها باعث شد که برده‌ها و اشخاص ستم‌کشیده امپراتوری‌های آن دوران به سمت دین اسلام مجذوب شوند. دستورات و تعالیم اسلام از آن‌ها قهرمانان و اسطوره‌های جهانی مانند یاسر و عمار و بلال‌های زمانه ساخت. تقدیر از مقام زن در اسلام و ارج نهادن به وظیفه مقدس مادری، باعث رشد سطح فرهنگی خانواده شد. در جامعه‌ای که دخترگشی یکی از عادات رایج آن زمان بوده و دختران و زنان هیچ حق و حقوق مالی و قانونی نداشتند و آن‌ها جزو اموال شخصی مرد حساب می‌شدند، اسلام قانون نفقه و ارث برای آن‌ها قرار داد و حق مالکیت به آن‌ها داد. همین



^۱ Venture of Islam, p 31-32.

قانون‌ها و احترام به مقام زن در جامعه باعث شد که از دامان آن مادران پاک و عفیف قهرمانانی زاده و تربیت شوند که مانند ستاره‌های آسمانی درخشیدند.

«از منظر هاجسن تمدن، واحدهای ابتدای هر جامعه را تشکیل می‌دهد، که هر واحد معلومات و اطلاعات مهم و جدانشدنی از مردم و افراد آن جامعه را ارائه می‌دهد. افراد متمدن در جامعه از فرهنگ والا و متعالی برخوردار هستند. پس تعریف تمدن به فرهنگ وابسته است و برای شناخت بهتر تمدن ابتدا باید فرهنگ را توضیح داد.»

فرهنگ

«فرهنگ واژه‌ای است که با پیشرفت جوامع بشری ارتباط مستقیم دارد. از منظر هاجسن الگوها و روش‌های زندگی خانواده‌های هر جامعه را فرهنگ می‌نامند، به عبارت دیگر فرهنگ در طول زمان به آیین‌ها و سنت‌های انباشته هر جامعه گفته می‌شود؛ که در عین ارتباط با همدیگر نسبتاً مستقل و پیچیده هستند. همیشه فرهنگ توسط خانواده‌های هر جامعه در حال اجرا است. در فرهنگ، یکپارچگی دائمی میان سنت‌ها و آیین‌های جامعه وجود دارد. شاید با شاخص‌های فرهنگی، پویایی و ماندگاری جامعه را به خوبی نتوان ثابت کرد. ممکن است در آیین محلی هر جامعه آیین یا سنتی مانند سبک نقاشی یا روش



و عاداتی از بین برود و آیین نوین دیگری جایگزین آن شود. در هر زمان عوامل مؤثر و مفاهیم هر آیین و سنت فرهنگی جامعه خواه ارثی و یا جدید با هم ارتباط کامل دارد و توسط تعامل دائمی مردم آن جامعه و گفت‌وگوها و توضیحاتی که شایسته آن سنت‌ها بوده، تقویت می‌شود. مفاهیم و عوامل مؤثر آیین و سنت‌های خاص هر فرهنگ، به نوبه خود، به مفاهیم و دلالت‌های موجود در بستر جامعه ارتباط نزدیکی دارد. ماندگاری و انشعاب دلالت‌های فرهنگی توسط مردم، زمانی بیش‌تر خواهد شد که آن‌ها اولاً آسان و قابل دسترسی بوده و ثانیاً با قاطعیت پذیرفته شوند.»

«به نظر هاجسن در هر زمانی نسل‌ها تصمیم‌گیرنده هستند و تصمیم آن‌ها به گرایش‌ها و دیدگاه نیاکان خود محدود نمی‌شود، بلکه به موقعیت‌ها و شرایط زمانی آن‌ها بستگی دارد. در بعضی اوقات، شرایط محیط باعث محدودیت می‌شود و شاید سنت‌ها را تغییر دهد و یا نوسان آن‌ها را کاهش و یا انشعاباتی در آن سنت ایجاد کند. اگر چنین تغییراتی در سنت‌ها ادامه یابد، باعث ایجاد سنت‌هایی جدید و مطابق شرایط کنونی خواهد شد. هرچند در آن زمان سبک و سیاق عمومی ممکن است فراگیر و دائمی شود؛ اما سنت‌های جدید تغییرپذیر خواهند بود. سنت‌های نوین فقط توسط تلاش‌های خلاق به مرحله



اجرا خواهد رسید. اختلاف میان آیین‌ها و سنت‌های اصلی با سنت‌های جدید به عوامل تشکیل‌دهنده آن‌ها ارتباط ندارد؛ بلکه به اهمیت و میزان تعامل آیین‌ها با متن کلی جامعه مرتبط است و در آینده نیز ثبات و تداوم سنت‌ها به شرایط جامعه وابسته خواهد بود. اگر عوامل تشکیل‌دهنده یک سنت، ثابت و پایدار و توسط بستر مناسب در جامعه نهادینه شود، در آینده نیز تقویت خواهد شد. مثلاً تعصب سستی تجاری، موجود در فرهنگ (ایرانی - سامی) نقش مهمی در پیشرفت جامعه موحد داشت، تعصب تجاری توأم با نظارت اسلامی باعث ایجاد مرحله‌ای نوین از تاریخ ایرانی سامی شد.

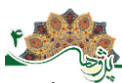
هاجسن همه چیز را در مورد فرهنگ نام می‌برد ولی از آیین‌ها و سنت‌هایی که توسط پیامبران در جامعه نهادینه شده و مردم آن‌ها را جایگزین سنت‌های قدیمی می‌کنند، چیزی بیان نکرده است، مثلاً در جامعه اسلامی بعد از اسلام سنت دخترگوشی، بت‌پرستی و شراب‌خواری و... توسط مسلمان‌ها زدوده شد. می‌توان گفت: یکی از عوامل انتشار اسلام، بازرگانان و تاجران مسلمانانی بودند که به اقصی نقاط جهان می‌رفتند. آن‌ها با داشتن اخلاق و آداب اسلامی توانستند مردم شهرهای مختلف را شیفته خود و تعالیم اسلام کنند و به طور نامحسوسی مبلغین و سفیران اسلام بودند. اخلاق و آداب اسلامی در



زمان پیامبر(ص) و در زمان فتوحات اسلام نیز در برابر آداب و سنت‌های جاهلیت توسط مردم انتخاب شد تا جایی که در زمان پیامبر(ص) بعضی از یهودیان مدینه مایل به انجام مجازات خود در برابر قانون اسلام بودند تا احکام یهودیت.

تمدن

«تمدن را گروه‌هایی متشکل از فرهنگ‌های متنوع و پیوسته در جامعه می‌داند که به طور هوشیارانه در آیین و سنت‌های انباشته و وابسته با هم مشارکت دارند. فرهنگ افراد در جامعه متمدن باید در سطح والا و متعالی باشد. فرهنگ والا، همان فرهنگ نخبگان و افراد باسواد جامعه است که توسط مردم معمولی جامعه نیز قابل اجرا می‌باشد. ارزش‌های هر جامعه یکی از مسائل مهم نخبگان، فیلسوفان، حکام و قانون‌گذاران آن جامعه است که توسط نخبگان و افراد باسواد جامعه نسل به نسل منتقل می‌شود. ارزش‌های مورد نظر جامعه می‌تواند همراه با تعهد دینی و یا بدون آن باشد. (معمولاً آیین‌های نخبگان از پیوستگی زبان نوشتاری مجزا نیست). داشتن یک زبان در جامعه نمی‌تواند شاخصی برای تمدن محسوب شود برای مثال دو تمدن آتیکا و بیزانس مسیحی باستانی هر دو به زبان یونانی صحبت می‌کردند و هومر می‌خواندند ولی آن‌ها را نمی‌توان یک تمدن حساب کرد. زیرا سنت‌های فرهنگی، بستر، آیین‌های نخبگان و افراد باسواد و تعهد آن‌ها نسبت به آیین‌ها در هر دو تمدن مختلف بود.



هر تمدن مانند هر دین قلمرو خودش را معرفی می‌کند و هر کدام دارای پیوستگی خاص خودشان هستند. تاریخ‌نگاران و محققان با دیدگاه‌های مختلف مرزبندی و محدوده تمدن‌ها را مشخص می‌کنند. شاید بعضی از آن‌ها فرهنگ بیزانس را تداوم فرهنگ هلنیک دانسته یا این‌که آن را قسمتی از جامعه مسیحیت با قدمت کم‌تر و مساحت وسیع‌تر تصور می‌کنند. به درستی که تغییرات جامعه در محدوده زمانی مشخص و طبق انتخاب آیین‌های افراد نخبه و باسواد جامعه صورت می‌گیرد و آن افراد آیین مناسب را در زمان معین انتخاب می‌کنند و به آن عمل می‌کنند.^۱

هاجسن تمدن را فرهنگ متعالی نخبگان جامعه تعریف می‌کند. ممکن است چنین تعریفی برای جامعه‌های غیردینی صدق کند، اما در جامعه و تمدن اسلامی فرهنگ متعالی مختص آیین‌های افراد باسواد جامعه و نخبگان نبوده و نیست بلکه همه افراد جامعه در تشکیل و به وجود آوردن هسته اصلی تمدن و در تعالی بخشیدن آن سهیم هستند. هیچ فرقی میان طبقه پایین جامعه با فامیل و عشیره پیامبر(ص) وجود ندارد و همه در برابر خدا دارای مقام یکسان می‌باشند. در دین اسلام انسان‌ها (زن و مرد) جانشین و خلیفه خداوند در روی زمین هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من



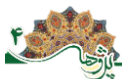
^۱ Ibid 33-34.

در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آن‌که ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید^۱ و عمل و تقوای افراد معیار برتری آن‌هاست. انسان‌ها برای رسیدن به خوشبختی و تکامل نیازمند اجرای دستورات الهی هستند. لذا دعوت پیامبران به قشر خاصی تعلق ندارد و دعوتی همگانی است و به ویژه دستورات الهی حضرت محمد(ص) که خاتم الانبیاء است و محدودیت زمانی و مکانی ندارد. خداوند در قرآن می فرماید: «آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان (چیز دیگری) نیست»^۲؛ و مخصوص کل بشریت است.

بعضی محققان عوامل مؤثر در ظهور مدرنیته را گرایش به سمت دیدگاه‌های منتهی به سعادت و یا تلفیقی از گرایش‌های پیشامدرن غربی می دانند. هرچند آن‌ها شرایط جدید مدرنیته را در جامعه به طور دقیق بیان نکردند اما از نظر آن‌ها آیین‌های مرده عامل شکست جامعه‌ها و تمدن‌های بزرگی مانند اسلام است.^۳

هاجسن هنگام مقایسه جامعه اسلامی با جامعه‌های دیگر، عامل

۱. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ» (بقره: ۳۰).
 ۲. «اِنَّ هُوَ اِلَّا ذِکْرٌ لِّلْعٰلَمِیْنَ» (انعام، ۹۰).



شکست جامعه اسلامی را عمل کردن به آیین‌های مرده و قدیمی می‌داند یا جایگزینی آیین‌ها و سنت‌های جدید توسط نسل جدید می‌داند. اما اسلام دین الهی است و تنها دین پویایی است که دستورات آن از بین نخواهد رفت و در مذهب شیعه اجتهاد عامل پویایی آن است و مراجع و علمای شیعه با استفاده از احادیث و آیه‌های قرآن نسبت به امور و مسائل روز فتوا صادر می‌کنند. بنابراین در هر شرایطی می‌توان به آیین‌ها و سنت‌های نوین طبق قوانین اسلام عمل نمود، چون آیین‌های اسلام همواره زنده و پویا می‌باشد. از عوامل مهم تضعیف جامعه اسلامی می‌توان بی‌توجهی به دستورات اسلام، داشتن دیدگاهی غلط و متعصبانه و وجود تفرقه میان مسلمانان نام برد. همین دیدگاه متعصبانه باعث ایجاد فرقه‌های منحرف مختلفی مانند طالبان و داعش و... گشته است. آن‌ها با عملکرد منفی و تروریستی و وحشیانه تصویر اسلام را در اذهان عمومی خراب کردند و مردم را از دین اسلام متنفر کردند.

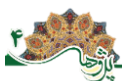
نتیجه‌گیری آموزش عالی خوزی محصور (خولهران)

کتاب‌های زیادی در مورد تاریخ و تاریخ اسلامی نگاشته شده است. اما کتاب اعجاز اسلام مارشال هاجسن متفاوت است. زیرا نویسنده ابتدا ذهن خواننده را با چگونه مطالعه کردن تاریخ آشنا می‌کند و سپس موضوع مورد نظر را بیان می‌کند. مارشال حوادث تاریخی را به همراه نظریه‌ها و تئوری‌های جامعه‌شناسی مطرح می‌کند. چنین کتاب‌هایی



می‌تواند اطلاعات و معلومات زیادی را به خواننده‌ها اطلاع‌رسانی کند. محققان و پژوهش‌گران مسلمان هنگام مطالعه آثار و کتاب‌های مستشرقان نباید شیفته روش آن‌ها شوند و فکر کنند چون روش‌های آن‌ها نوین و دقیق بوده پس از اطلاعات آن کتاب‌ها حتماً صحیح است. مستشرقان هرچند نسبت به اسلام بی‌طرف بنویسند ولی اختلاف پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌ها ممکن است باعث شود مطالب نادرستی از تاریخ اسلام بنویسند هرچند به طور واضح و صریح نوشته نشده باشد چون خوانش آن‌ها نسبت به مسأله با مسلمانان فرق می‌کند مانند بعضی از مطالب کتاب اعجاز اسلام که در مقاله بیان شده است. بعضی از آن‌ها مغرضانه عمل می‌کنند و می‌خواهند با نوشته‌ها و کتاب‌هایی خود بدعت و شبهه‌هایی به اسلام وارد کنند مانند کتاب آیات شیطانیه و امثال آن‌ها که تصویر و چهره پیامبر اکرم (ص) را تخریب می‌کند. وظیفه خواننده آگاه این است که بتواند نظریه‌ها و تئوری‌های صحیح را بشناسد و نکات مثبت آن‌ها را در پژوهش خود استفاده کرده و نکات منفی را نقد نماید.

آموزش عالی خوزی معصومیه (خواران)
مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه



فهرست منابع

1. Hodgson, Marshal G. S. **The Venture of Islam**, Conscience and History in a World Civilization, The Classical Age of Islam, Chicago and London: The University of Chicago Press 1974.
۲. زیدان، جرجی (۱۳۱۳)، **تاریخ تمدن اسلامی**، ترجمه جواهر کلام، علی امیر کبیر.

مقالات

۳. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، پیوستگی در تمدن اسلامی، فصلنامه نقد و نظر، سال ۱۹، شماره ۲.
۴. بورک، ادموند (۱۴۱۵)، **تاریخ الاسلام فی تاریخ العالم**، الاجتهاد، شماره ۲۶ و ۲۷.
۵. عیساوی، شارل (۱۴۱۵)، **اوروپا و المشرق و تحولات القوه**، الاجتهاد، شماره ۲۶ و ۲۷.
۶. همتی‌گیلان، عبدالله (۱۳۹۳)، **بررسی دیدگاه‌های عمده مارشال هاجسن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی**، معرفت، سال ۲۳، شماره ۸۳-۹۹.

